

• دریافت ۸۸/۷/۴

• تأیید ۸۸/۱۰/۱

مفردات:

قدیمی‌ترین دستور زبان فارسی در آناتولی (اثری با هدف آموزش صحیح زبان فارسی)

عبدالباقی چتین*

علیرضا مقدم**

چکیده

مفردات، اثری منشور از احمد داعی - ادیب و شاعر قرون هشتم و نهم هجری - است که به منظور آموزش صحیح زبان فارسی نگاشته شده است. این اثر را می‌توان قدیمی‌ترین دستور زبان فارسی تألیف شده، در آناتولی دانست. این اثر شامل چهار بخش است: ۱. اسما، ۲. افعال، ۳. تصرفات (مورفولوژی) و ۴. حروف. بخش اول، در واقع لغت‌نامه‌ای است که معادل ترکی اسامی فارسی را عرضه می‌دارد. بخش دوم، لغت‌نامه‌ای الفبایی است که معادل ترکی افعال فارسی را شامل می‌شود. در این دو بخش، معادل ترکی کلمات فارسی در زیر آن‌ها نوشته شده است. در بخش سوم، صرف (مورفولوژی) فارسی و در بخش چهارم نیز، حروف فارسی مطرح می‌شود. در این مقاله، ضمن آشنایی کلی با چگونگی نفوذ زبان فارسی در آناتولی، مختصری درباره سنت دستور نویسی در ادب فارسی، به ویژه در آناتولی بحث می‌شود. سپس در کنار آشنایی با زندگی و آثار نویسنده، درباره فصل‌های مختلف مفردات، توضیح داده می‌شود.

کلید واژه‌ها:

احمد داعی، مفردات، لغت‌نامه فارسی - ترکی، دستور زبان فارسی، زبان قدیم ترکی آناتولی.

* دانشیار و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات ترکی دانشگاه آتاترک، ارzurum، ترکیه.

** کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

مفردات: قدیمی‌ترین دستور زبان فارسی در آناتولی

۱. نگاهی به روند نفوذ زبان فارسی در آسیای صغیر

اگرچه نشانه‌های مکتوبی در دست است که خبر از رواج و نفوذ زبان فارسی در بخش‌هایی از آسیای صغیر قبل از تأسیس حکومت سلجوقیان می‌دهند، از آن جمله ناصر خسرو قبادیانی در سفرنامه خود، از حضور زبان فارسی در شهر اخلاط در آناتولی شرقی، سخن می‌گوید؛ (ناصرخسرو ۱۳۳۵: ۷) با این حال، باید آغاز نفوذ واقعی زبان فارسی و به تبع آن، فرهنگ ایرانی را در آناتولی از سال ۴۶۳ شمرد که آلپ ارسلان پادشاه مقتدر سلجوقی در جنگ ملازگرد، رومانوس دیوجانوس - امپراتور روم شرقی - را شکست داد. (ریاحی ۱۳۶۹: ۴)

با این پیروزی، دروازه‌های آسیای صغیر به روی مسلمانان باز شد تا از هر گروه و قومیتی روی به شهرها و دشت‌های حاصل‌خیز آن آورند و زندگی نوینی را در فضایی به مراتب مناسب‌تر تجربه کنند. سلجوقیان آسیای صغیر که از همان زمان سلطان ملکشاه سلجوقی و تحت امر او، حکومت منطقه را به دست گرفته بودند، به تدریج با تضعیف حکومت مرکزی سلجوقیان بزرگ، مستقل شدند و توانستند ده‌ها سال حاکمیت خود را تداوم بخشند. آن‌ها نیز مانند سلجوقیان بزرگ، کارهای اداری را به ایرانیان سپرده بودند. این امر در کنار عواملی چند، زمینه‌ساز نفوذ و گسترش زبان و ادبیات فارسی در آن سرزمین شد. مهاجرت خیل عظیمی از ادیبان و عالمان ایرانی بدان سرزمین نیز در ایجاد چنین فضایی، بسیار مؤثر افتاد. بدین ترتیب «نامه‌نویسی در دستگاه امیران، و تدریس و تألیف و تصنیف و شاعری به این زبان بود» (همان، ۲۳) «مردم آسیای صغیر، زبان فارسی را از زبان عربی، آسان‌تر می‌فهمیدند و در حالی که کتاب‌های عربی برای عده کمی از مردم مفهوم بود، فایده آثار فارسی عمومی‌تر بود.» (آتش ۱۹۴۵؛ به نقل از ریاحی ۱۳۶۹: ۲۸)

متعاقب حمله مغول، ضعف در حکومت سلجوقی پدید آمد و در نتیجه، امیرنشین‌های مستقل در نواحی مختلف آسیای صغیر سر برآوردند. با این حال، «زبان فارسی هنوز زبان مشترک آناتولی بود.» (یازجی ۱۳۷۱: ۷)

یکی از این امیرنشین‌ها، دولت عثمانی بود که در سایه فراست حاکمان نخستین خود، در اندک مدتی به صورت یک امپراتوری مقتدر فراگیر، در آمد و «عنایت سلاطین عثمانی نسبت به زبان فارسی و شاعران پارسی‌گوی، نفوذ فرقه‌های صوفیه، به ویژه مولویه که خود این سلاطین از ارادتمندان آن‌ها بودند، [و] حضور منشیان زبردست و ورزیده در دربار، عوامل بسیار مؤثر نشر ادب پارسی در قلمرو عثمانی گشتند.» (مدرسی ۱۳۸۴: ۸۱) به دیگر سخن، «سلاطین عثمانی نیز

مانند سلجوقیان به پیروی از آداب و رسوم آنان، که دست‌نشاندهٔ دربار سلاجقهٔ آسیای صغیر بودند، در ترویج شعر و ادب فارسی می‌کوشیدند.» (خسروشاهی ۱۳۵۰: ۴۰) حتی خود نیز دستی در ادب فارسی داشتند، چنان‌که تعدادی از پادشاهان این سلسله مانند سلطان سلیم و سلطان سلیمان قانونی، به فارسی دیوان شعر داشتند.

با این اوصاف و با آن‌که در مدّت چند صد سالی که زبان فارسی در اوج اقتدار ادبی، زمینه‌ساز آفرینش شاهکارهای بزرگی چون مثنوی معنوی و مرصاد العباد و ... بود، به تدریج و با قدرت گرفتن زبان ترکی «خلل در قواعدش راه یافت و رکاکت و سقامت در الفاظ و معانی اش رسوخ یافت»^۱ و این باعثی شد تا زبان‌دانان ی چون احمد داعی در صدد تألیف کتاب‌هایی برآیند که فارسی فصیح و صحیح را به نسل‌های جدید آموزش دهند.

۲. سنت دستور نویسی در تاریخ ادبیات فارسی به ویژه در منطقهٔ آسیای صغیر

اگرچه زبان فارسی دری، قدمتی بیش از هزار سال دارد و امروزه، آثار سترگی از سده‌های چهارم و پنجم هجری به این طرف، در دسترس همگان است، با وجود این، تألیفات مستقل و نیمه مستقلی که با هدف تثبیت و آموزش قواعد این زبان نوشته شده باشند دارای چنین قدمتی نیستند. «قدیمی‌ترین کتاب فارسی که متضمن پاره‌ای از مطالب مربوط به صرف و اشتقاق فارسی [است] و خوشبختانه از دست حوادث گریخته و به دست ما رسیده کتاب المعجم فی معائیر اشعار العجم تألیف شمس الدین محمد بن قیس رازی است که در اوائل قرن هفتم هجری تألیف شده است.» (همایی ۱۳۲۵؛ ج ۱: ۱۲۲)

علّت این فاصلهٔ چند صد ساله، مابین تألیف نخستین آثار فارسی و آثاری دربارهٔ قواعد این زبان را شاید بتوان در طرز تلقی ویژه‌ای که گذشتگان از دستور زبان داشته‌اند جستجو کرد. یعنی اینکه آنان آموزش دستور زبان را برای کسانی لازم می‌دانستند که بخواهند آن زبان را به عنوان زبان دوم بیاموزند. کم‌تر اتفاق می‌افتاد که اهل یک زبان به تألیف و آموزش دستور همان زبان بپردازند؛ این قاعده، دربارهٔ تدوین لغت‌نامه هم صادق بود. (مهیار ۱۳۷۶: ۷) از این‌روست که دستورهای زبان فارسی متعلق به سده‌های پیشین را عموماً باید در کشورهای هم‌جوار چون عثمانی، هند و ممالک عرب‌زبان جست.

از اولین تألیفات دربارهٔ قواعد زبان فارسی، علاوه بر مورد فوق، باید به منطق الخرس فی لسان الفرس اثر ابوحنیان نحوی به عربی؛ حلیة الانسان فی حلیة اللسان اثر ابن مهنا به عربی و

در قواعد سه زبان عربی، ترکی و فارسی؛ و *لسان القلم* در شرح *الفاظ عجم* اثر *عبدالقهار بن اسحق*، ملقب به شریف اشاره کرد. (همای ۱۳۲۵؛ ج ۱: ۱۲۴ و ۱۲۹)

علاوه بر این، مؤلفان در بخش آغازین فرهنگ‌های فارسی نیز صفحاتی چند، درباره قواعد این زبان آورده‌اند که در این خصوص، می‌توان از فرهنگ‌های *جهانگیری*، *برهان قاطع*، *رشیدی*، *نظام*، *قلزم* و *انجمن‌آرای ناصری* نام برد.

قبل از آن که خود ایرانیان در قرون ۱۳ و ۱۴ دست به تألیف دستورهای زبان مستقل برای فارسی بزنند، نویسندگان عثمانی، هندی و اروپایی چنین آثاری را خلق کردند. در هند آثاری چون *میزان فارسی* (تاریخ تألیف ۱۱۶۵ هجری)، *مجمع القوانين* (تاریخ تألیف ۱۱۶۹ هجری) و *قواعد فارسی* (تاریخ تألیف ۱۲۰۴ هجری) پدید آمدند^۲ و در اروپا نیز از قرن ۱۷ به بعد کتاب‌هایی به زبان‌های فرنگی درباره قواعد فارسی به نگارش درآمدند. *محمد بن الحکیم الزینیمی* نیز تألیفی به نام *منهاج‌الطلب* در دستور زبان فارسی به فارسی نوشته است که دکتر *محمدجواد شریعت*، آن را به عنوان کهن‌ترین دستور زبان فارسی منتشر کرده است.^۳

در مملکت عثمانی هم به دلیل نفوذ فوق‌العاده زبان فارسی و ضرورت آموزش این زبان به ترک‌زبانان، از همان آغاز، آثاری با این هدف تألیف شد که علاوه بر مفردات که معرفی آن، موضوع این نوشته است، آثاری چون *تاج الرؤس* و *غرّة النفوس*، از *احمد بن اسحق قیصری* (تاریخ تألیف قبل از ۸۹۸ هجری)، *اقتنوم عجم* (تاریخ تألیف ۸۹۸ هجری)، و *وسيلة المقاصد الی احسن المراد*، از *خطیب رستم المولوی* (تاریخ تألیف ۹۰۳ هجری)، *رساله مشکل‌گشا*، از *حسن بن حسین بن عماد قراحصاری* (تاریخ تألیف قبل از ۹۱۸ هجری)، *تحفه شاهدی*، از *ابراهیم دده شاهدی* (تاریخ تألیف ۹۲۰ هجری)، *کتاب نحو فارسی*، (تاریخ تألیف ۹۵۷ هجری به عربی)، و *التحفة الیهادیه*، از *محمد بن حاجی الیاس* (تاریخ تألیف سده ۱۰ هجری) نیز نوشته شدند. (افشار ۱۳۳۳: ۳۴، ۳۷ و ۴۴، رشنوزاده ۱۳۸۳: ۳۸۳)

ایرانیان، تنها در قرن‌های ۱۳ و ۱۴ هجری است که آثاری در این زمینه پدید آوردند که از جمله آن‌ها می‌توان به *قانون زبان فارسی*، از *عباسقلی بن میرزا محمد خان بادکوبی* (تاریخ تألیف ۱۲۴۷ هجری)، *قواعد صرف و نحو فارسی*، از *عبدالکریم بن ابی القاسم ایروانی* (تاریخ تألیف ۱۲۶۲ هجری)، *معلم الاطفال*، از *آخوند احمد حسین‌زاده* (تاریخ تألیف ۱۲۹۷ هجری)، و *تنبيه الصبیان*، از *محمدحسین بن مسعود بن عبدالرحیم انصاری* (تاریخ تألیف ۱۲۹۸ هجری)

اشاره کرد. طرفه آن که "نخستین کسی که کلمه دستور را برای نام کتاب قواعد زبان پارسی اختیار کرده ... میرزا حبیب اصفهانی است" (همایی ۱۳۲۵؛ ج ۱: ۱۲۷) که دو کتاب دستور سخن و دبستان پارسی را در سال های ۱۲۸۷ و ۱۳۰۸ هجری در استانبول تألیف کرده است.^۴

۳. نگاهی به زندگی و آثار احمد داعی

۱.۳. حیات

احمد بن ابراهیم بن محمد معروف به داعی، شاعر و ادیب بزرگ اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری در آسیای صغیر است. اکثر منابع او را اهل گرمیان ذکر می کنند، اما درباره تاریخ تولد او اطلاعات متناقضی می دهند. آنچه از بررسی منابع و نیز تألیفات خود شاعر برمی آید آن است که احمد داعی بعد از کسب تحصیلات لازم، مدتی در همان شهر گرمیان بر مسند قضاوت نشست و از حمایت سلیمان شاه (وفات ۱۳۸۷ م) و پسرش یعقوب دوم (وفات ۱۴۲۸ م) پادشاهان امیرنشین گرمیان برخوردار شد.

بعد از شکست یعقوب دوم از ایلدیریم بایزید (وفات ۸۰۵ هـ / ۱۴۰۲ میلادی) و الحاق گرمیان به امپراتوری عثمانی، داعی نیز به دربار عثمانی انتساب جسته، تحت حمایت امیرسلیمان پسر ایلدیریم بایزید (قتل ۱۴۱۰ م) قرار گرفت. این شاهزاده عثمانی، مردی خوش مشرب و فرهنگ دوست بود؛ از این رو شاعرانی چون داعی، احمدی، شیخی و حمزوی اشعار خود را به نام او می سرودند و از حمایت های مادی و معنوی اش بهره مند می شدند.

بعد از قتل امیر سلیمان، داعی نزد برادر او چلبی سلطان محمد (وفات ۸۲۴ هـ / ۱۴۲۱ میلادی) که زمام امور پادشاهی عثمانی را به دست گرفته بود رفت و حتی توانست استادی و تربیت فرزند او مراد دوم را عهده دار شود. مرگ داعی بعد از سال ۸۲۴ هجری و در زمان سلطنت مراد دوم رخ داد. آرامگاه احمد داعی در بروسه در کنار مسجدی به نام خود وی قرار دارد و از سوی مردم با عنوان **قبر داعی دده** شناخته می شود. (أجاک ۱۳۸۵؛ ثریا ۱۳۰۸-۱۳۱۵؛ سامی ۱۳۰۶: ۷۹۸؛ کوت ۱۹۸۹؛ TDEA، ۲۰۰۳)

۲.۳. آثار داعی

از آن جا که داعی در علوم متداول زمان خود مانند علم قرآن، تفسیر، حدیث، تاریخ و همچنین ترسل، لغت، عروض، ریاضی، هیأت، نجوم و تعبیر و حتی طب تبخّر داشته و به زبان های ترکی،

عربی و فارسی علم و اطلاع کافی و عمیق داشته است و از سوی دیگر در تصوّف هم دارای توانایی‌هایی بوده است (أجاک ۱۳۸۵: ۱۷)، لذا توانسته با اتکا به همین پشتوانه قوی علمی دست به خلق و ترجمه آثار بسیاری در زمینه‌های مختلف علمی - ادبی زند. از همین روست که اسماعیل حکمت ارتایلان که تحقیقات دامنه‌داری درباره او انجام داده، می‌نویسد: «تعدّد آثار او در هیچ‌یک از شعرا و عالمان هم‌عصرش دیده نمی‌شود. این آثار به حدّی گوناگون هستند که همه علوم رایج زمانه اش را در بر می‌گیرند.» (۱۹۵۲: ۶۵)

آثاری را که امروزه، در انتساب آن‌ها به احمد داعی هیچ تردیدی وجود ندارد می‌توان به ترتیب زیر بیان کرد:

آثار منظوم:

مقدمه منظوم ترجمه تفسیر، دیوان ترکی، ترجمه جاماسب نامه، چنگ نامه، عقودالجواهر، دیوان فارسی، وصیت نوشیروان عادل و علم عروض.^۵

آثار مثنوی:

ترجمه تفسیر ابواللیث سمرقندی، ترجمه اشکال نصیر طوسی، ترجمه تذکرة الاولیاء، ترسل، ترجمه تعبیرنامه، ترجمه طب نبوی، مفتاح الجنه، وسیلة الملوك لاهل السلوك و مفردات. سه اثر منظوم دیگر با نام‌های اسرارنامه و منصورنامه و مطایبات نیز به داعی نسبت داده شده‌اند که از دو مورد نخست، هیچ نسخه‌ای به دست نیامده است.^۶ و اثر سوم هم معلوم شده که اثر مستقلی نیست و مجموعه اشعاری پراکنده از دیوان اوست. (کورتانتامر ۱۹۷۷؛ همان، ۱۹۹۳)

اثر مثنوی جنان‌الجنان هم که به داعی نسبت داده شده است، امروزه مشخص شده که از آن محمد بن حاجی عوض المفسر می‌باشد. (جوشان ۱۹۶۷؛ نجاتی اوغلو ۱۹۸۴)^۷ اثر مثنوی دیگری با نام سراج القلوب نیز از آن داعی شمرده شده است که با توجه به عدم ذکر نام داعی در آن و این که داعی در تمام آثارش التزام به ذکر نام خود داشته است، بنابراین می‌توان گفت که این اثر نیز به او تعلق ندارد. (کوت ۱۹۸۹: ۵۸؛ نیز رک: کاراسوی ۲۰۰۶)

در سال‌های گذشته نیز خبر یافته شدن آثاری جدید متعلق به احمد داعی با نام‌های مختصر (آکیوز، ۱۹۵۴)، ترجمه صد حدیث (آلیای ۱۹۷۳: ۱۸-۱۷؛ همان، ۱۹۹۲: ۴۷-۴۸) و جواهرالمعانی (کایماز: ۱۹۹۷؛ همان، ۱۹۹۹؛ کوک تکین، ۲۰۰۱) منتشر شد که البته بعدها مشخص گشت دو نسخه دست‌نویس جواهر المعانی که متعلق به احمد داعی دانسته می‌شد،

نسخه‌های اثری به همین نام از خضر بن یعقوب هستند. (چتین، ۲۰۰۳) همچنین معلوم گشت که نسخه ترجمه صد حدیث یکی از نسخه‌های صد حدیث صد حکایت اثر مصطفی ضریر ارضرومی است. (همان، ۲۰۰۴)

۴. مفردات، اثری با هدف آموزش صحیح زبان فارسی به ترک‌زبانان

همان‌طور که ذکر شد احمد داعی ادیب و دانشمندی است که در زمینه‌های گوناگون به آفرینش پرداخته است. او در زمینه لغت، اثری با نام عقود الجواهر دارد. این اثر به دلیل ذکر در منابع قدیمی اثری شناخته شده است. (لطیفی ۲۰۰ : ۱۶۵؛ کاتب چلبی ۱۹۴۳؛ ج ۲ : ۱۱۵۶)^۸

نسخه‌ای از عقود الجواهر، زمانی نزد صحاف (کتاب فروش) رائف پلکنجی (۱۹۷۴-۱۸۹۴) بوده است؛ (ارتایلان ۱۹۵۲ : ۱۱۰)^۹ از این اثر چهار نسخه در کتابخانه سلیمانیه^{۱۰}، دو نسخه در کتابخانه عمومی مانیسا (مغنیسا)^{۱۱}، یک نسخه در انجمن تاریخ ترک^{۱۲}، یک نسخه در کتابخانه ملی^{۱۳} و یک نسخه نیز در کتابخانه دانشگاه کمبریج (براون ۱۹۲۲ : ۱۴۳، ش ۸۷۱) موجود است. احمد منزوی نیز از وجود دو نسخه عقود الجواهر در انگلیس (موزه بریتانیا) و پنج نسخه در ایران خبر می‌دهد. (۱۳۵۰ : ج ۳ . ۲۰۰۱ - ۲۰۰۰، ش ۱۹۱۱۳ - ۱۹۱۰۷) فرانس بایبیرگر هم وجود نسخه‌ای از عقود الجواهر در کمبریج (Browne, Supp. 871) و نسخه‌ای در پاریس (Blochet, Supp. turc 295) را بیان می‌دارد. (بایبیرگر ۲۰۰۰ : ۱۶- (۴) ۴۴۵) فؤاد کوپرولو نیز در کنار دو نسخه کمبریج، وجود نسخه‌ای از اثر در کتابخانه شخصی‌اش را خاطرنشان می‌کند. (کوپرولوزاده ۱۹۳۳؛ ج ۱، ش ۳۸۳)^{۱۴}

عقود الجواهر لغت‌نامه‌ای است عربی - فارسی و منظوم در ۵۱ قطعه و ۶۵۰ بیت که برای استفاده سلطان مراد دوم، در زمان شاهزادگی‌اش نوشته شده است. (ارتایلان ۱۹۵۲ : ۱۱۱؛ کوت ۱۹۸۹ : ۵۷؛ آلپای ۱۹۹۲ : ۵۳)

به همین دلیل نسخه خطی پاریس که بایبیرگر به عنوان نسخه‌ای از عقود الجواهر از آن بحث می‌کند اثری است کاملاً متفاوت با عقود الجواهر (بایبیرگر ۲۰۰۰ : ۱۶- (۴) ۴۴۵).^{۱۵} این اثر در کاتالوگ چاپی کتابخانه مزبور به عنوان اثری بی‌نام (= Sans titre) از احمد داعی معرفی شده است. (بلوچت ۱۹۳۳؛ ج ۲ : ۳۰۱ - ۳۰۲) نسخه‌ای هم که کنعان آک یوز با نام مختصر و با قید "اثری ناشناخته" شناسانده است، همین اثر است. (آک یوز ۱۹۵۴)

در تحقیقاتی که صورت گرفت معلوم شد که نسخه‌ای از این اثر در کتابخانه yapı kredi

Bankası Sermet Çifter (سرمد چیفتز) واقع در استانبول قرار دارد.^{۱۶}

این دو نسخه در کاتالوگ‌های چاپی کتابخانه‌های مذکور این‌گونه توصیف شده‌اند:

نسخه پاریس (= P) (Blochet, Supp. turc 295)

«اثری در زمینه فیلولوژی (زبان شناسی): لغت‌نامه‌ای فارسی - ترکی از آن احمد داعی (برگ نخست) بدون عنوان (= Sans titre) ... مؤلف از مشاهده مشکلاتی که ترکان آناتولی در یادگیری زبان فارسی با آن مواجه هستند و این که کسی تا قبل از او به فکر فراهم کردن لغت‌نامه‌ای که این مشکلات را مرتفع سازد، نبوده است و خواهش اغلب دوستان مینی بر نوشتن اثری مختصر (= précis) که یاریگر آن‌ها در فهم کتاب‌های نوشته شده به زبان فارسی باشد سخن می‌گوید. این کتابچه به چهار بخش تقسیم شده است که هر کدام به ترتیب، اسما، افعال، تصرفات (مورفولوژی) و حروف را بررسی می‌کنند. بخش اسامی به شش قسمت که بر اساس موضوع و تحت عنوان "فصل" تنظیم شده‌اند، تقسیم شده است. بخش دوم - افعال - به صورت الفبایی تنظیم شده است؛ قواعد دستوری به زبان ترکی توضیح داده شده‌اند؛ اثری قدیمی است؛ با توجه به شیوه املائی بعضی کلمات که از سوی مستنسخ رعایت شده است، احتمالاً متعلق به قرن ۱۴ می‌باشد. در برگ ۹۳ قصیده العینیه مبنیه علی السؤال ابوعلی پیرمحمد بن حسن متخلص به صحاحی وجود دارد. خط نسخ، استنساخ نیمه دوم قرن ۱۶، ۱۸۳ برگ [اثر احمد داعی 90r - 1v]، ۱۰/۵ * ۱۵/۵ سانتی‌متر.» (بلوچت ۱۹۳۳؛ ج ۲: ۳۰۱ - ۳۰۲)

نسخه استانبول (= İ) (کتابخانه سرمد چیفتز، شماره ۱۸۷/۱)

«مفردات (لغت فارسی) - احمد داعی

اثر با این جملات آغاز می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين الحمد لله الذي علم آدم الاسماء كلها و الصلوة على

اشرف ارباب النطق و النهي محمد ... اما بعد چنین گوید بنده ساعی احمد داعی.

با خط نسخ - تعلیق، فارسی - ترکی، در ابعاد $(106 * 78) \text{mm}$ (۱۰۶ * ۷۸)، در برگ‌های ۷۰b - ۱b، در ۸ سطر بر روی کاغذ سفید آهاری با ضخامت متوسط نوشته شده است. در داخل جلدی شیرازهدار به رنگ قرمز سوخته قرار دارد. کلمات نخست عبارات دارای تذهیب سرخ رنگند.

با این کلام به پایان می‌رسد: و دواوین شعرايه مطالعه قلسون لر تا کم استکمال حاصل اولاً

[[دواوین شعرا را مطالعه کنند تا آن که استكمال حاصل شود.]] بعد از این کتاب، لغتی فارسی - عربی و منظوم در نه برگ، وجود دارد که مؤلف آن مشخص نیست، ولی معلوم است که از سوی همان مستنسخ نوشته شده است.^{۱۷} در زیر بعضی از لغات، معادل ترکی آن‌ها قید شده است. «(داغلی و همکاران ۲۰۰۱: ۹۲)^{۱۸}

این دو نسخه نشان از آن دارند که با اثری متفاوت با عقود الجواهر مواجه هستیم. نام این اثر در نسخه استانبول ذکر شده است: مفردات^{۱۹} احمد داعی، مفردات را - که با هدف تأمین آموزش صحیح زبان فارسی به مبتدیان نوشته شده است - این گونه معرفی می‌کند:

«چون مشاهده کرده شد در بلاد روم لغت پارسی راه خلل در قواعدش راه برده است و رکاکت و سقامت در الفاظ و معانی رسوخ یافته، آنک از افواه طوایف مختلفه سماع کرده و پیش ارباب صناعتش بتصحیح و تحقیق اهتمام ننموده اند و جماعتی از نخبه اخوان و نخبه خلان التماس فرمودند که مختصری ساخته شود در تصحیح لغت پارسی. چنان که در مصنفات فصحا و مؤلفات بلغا متداول و مستعمل باشد و در دفاتر اخبار و دواوین شعرا مذکور و مسطور بود. بنده نیز امثال التماس ایشان را واجب دیده و لازم شناخته تا مختصری تألیف کرده و لغاتی که ادباء کامل و شعراء فاضل در عبارت نظم و نثر تعبیر و تقریر و تسطیر و تحریر کرده بودند جمع آورد تا مبتدیان این صناعات را از مطالعه و تکرار و حفظ و استحضار آن قواعد جلیه و مواید هنیئه بتجدد گردد انشاء الله تعالی.»^{۲۰} (نسخه پاریس، 1b/7-2a/3؛ نسخه استانبول 2a/1-3a/4)

۵. آشنایی با بخش‌های مختلف مفردات

احمد داعی اثر خود را به چهار بخش تقسیم کرده است^{۲۱}:

بخش اول: اسماء (P 1 - 50a = 1b - 42)

این بخش لغت‌نامه‌ای است موضوعی، متشکل از ۸۴ فصل که هر یک، کلمات مرتبط با یک زمینه خاص را در بر می‌گیرد. در دو نسخه موجود، فصول عناوین موضوعی ندارند؛ اما با نگاهی به کلمات طرح شده می‌توان فهمید که هر فصل به کلمات و مفاهیم زمینه‌ای مشخص اختصاص یافته است: نام‌های نزدیکان و اقربا، ماه‌ها، روزها، برج‌ها، گیاهان / علف‌ها، حیوانات (حیوانات باربر، حیوانات وحشی، پرندگان، خزندگان، حیوانات خانگی و ...)، گروه‌های مختلف

شغلی، علوم اندازه‌گیری طول و وزن، صفات گوناگون، ظروف، رنگ‌ها، بیماری‌ها، سنگ‌های قیمتی، زینت‌آلات، پوشاک، خوردنی‌ها - نوشیدنی‌ها، آلات موسیقی، بازی‌ها، ابزار جنگی، آلات مختلف، اصطلاحات مرتبط با شکار، دریانوردی، باغ و باغچه و

در این بخش معادل ترکی کلمات فارسی در زیر آن‌ها آمده است. در زیر آن کلمات فارسی که در ترکی نیز به همان شکل به کار برده می‌شوند، حرف ف (بیانگر واژه معروف) گذارده شده است. در کلمات مترادف نیز در زیر اولین واژه، معادل ترکی آن آورده شده و در زیر بعدی‌ها حرف م (بیانگر واژه مترادف) گذاشته شده است. نمونه:

دوست، یار، دشمن، آشنا، بیگانه ...

ف ف ف بیلش یاد

دیوان، پادشاه، پادشاه، پادشاه، شاه، شه، شاهنشاه، شاهنشاه، شهنشاه، شهنشاه، خذیو، خسرو، کی.

ف سلطان م م م سلطانار سلطانی م م م سلطان م م

بخش دوم: افعال (P 50a-58b = I 42 - 50a)

در این بخش مصادر بر اساس الفبا (با توجه به نخستین حرف) از الف تا ی مرتب شده‌اند و در زیر سطر معادل ترکیشان آمده است. نمونه:

آفریدن، یافتن

یاراتماق، بولماق

بخش سوم: تصرفات (P 58b - 79b = I 50a- 65a)

در این بخش، قواعد دستور زبان فارسی به زبان ترکی توضیح داده شده است. عنوان‌های اصلی و فرعی این‌گونه هستند:

جمع المصدر، الماضي، جمع الماضي، مخاطب الماضي، جمع المخاطب الماضي، نفس متکلم، جمع المتکلم، المضارع^{۳۲}، قاعده فی جمع المضارع، الحال، المستقبل^{۳۳}، مخاطب مضارع، جمع مخاطب مضارع، نفس متکلم، جمع متکلم، النفی، الجهد، الامر، جمع الامر، النهی، جمع النهی، امر الغایب، جمع امر الغایب، نهی الغایب، جمع نهی الغایب، اسم الفاعل، اسم المفعول، التصغیر، جمع الاسماء، اسم المكان، اسم الزمان، الاستفهام، بناء المجهول.

بخش چهارم: حروف (P 79b-90a = I 65a- 72b)

در این بخش حروفِ متشکل از یک، دو و سه حرف به ترتیب مطرح و نحوه کاربردشان با مثال‌هایی توضیح داده شده است:

الحروف الاحادی (ادات یک حرفی)

أ: آ زید یعنی ای زید، احمدا: ای احمد

ب: به سر تو: سنون باشونچون

ت: رویت دیدم یعنی یوزون گوردوم

د: (کاربرد آن در موضوع افعال یادآوری می‌شود و درباره آن بحث دیگری نمی‌کند)

ش: زید را رویش دیدم یعنی زیدون یوزینی گوردوم

ک: تصغیر ایچوندور (برای تصغیر است)

م: من غلام شاهم یعنی من شاهون قولیوم

ن: مصدر آخرینده گلور (در آخرمصدر آید)

و: عطف ایچون گلور (برای عطف آید): من و تو یعنی بن دخی سیز

ه: اسم فاعل و اسم مفعول آخرینده گلور (در آخراسم فاعل و اسم مفعول آید)

ی: اسم آخرینه اولاشسا مصدر معنی سین ویرور (اگر به آخر اسم اضافه شود معنی مصدر

دهد): مثال: مردی: ارلیک

الحروف الثانی (ادات دو حرفی)

با: با زید: زیدله

تا: رفتم تا به مکه یعنی واردوم مکه یه دگین

را: مرا: بانا

نا: نامرد: ارلیک سوز

ها: جمع ایچوندور (برای جمع بستن است)

یا: شک ایچوندور (برای شک و تردید است)

بو: بر کاغذ نوشتم یعنی کاغذ اوزرینه یازدوم

تو: تفضیل ایچوندور: به: ایو، بهتر: ایورک

در: ظرف ایچوندور (برای ظرف است): عشق در جان و باده در جام است یعنی عشق جان دادور سوچی ساغراقدا

مر: تعدیه ایچوندور (برای تعدیه است) مر ترا گفتم یعنی سانا دیدوم

هر: تعمیم ایچوندور (برای تعمیم است): هر چه کنی به خود کنی یعنی هر نه کیم ایدرسن کندوزونه ایدرسین

از: ابتدا ایچون گلور: از مصر آمدم یعنی مصدران گلدوم.

حروف دیگر: جز، آن، این، نه، ای، بی، می، نی، وی، هی

الحروف الثلاثی (ادات سه حرفی):

اگر: شرط ایچون گلور (برای شرط آید) ... گر دخی دیرلر الیفین براغورلار (گر می‌گویند و الف آن را حذف می‌کنند) ...

بهر: تعلیل ایچون گلور (برای تعلیل آید): بهر خذا یعنی تانری ایچون

پیش: ظرف ایچون گلور (برای ظرف آید) پیش من بیا یعنی بنوم قاتوما گل

نزد: نزد من: بنوم قاتومدا

سوی: جهت معنی سینه گلور (در معنی جهت آید: سوی من بیا یعنی بندن یانا گل)

ناک: غمناک: قایغولو

گین: شرمگین: اودلو (udlu)

حروف دیگر: زهی، است، بسا، چون، مکر، غیر، لیکن، برای

احمد داعی در پایان اثر خود چنین می‌گوید:

برای انسان‌های مبتدی این مقدار کفایت کند. اگر اطلاع بیش‌تر خواهند سخنان فصحا و بلغا و دیوان شعرا را مطالعه کنند تا استکمال حاصل شود. (نسخه پاریس، 89b/5-90a/2؛ نسخه استانبول، 72a/8-72b/3)

احمد داعی همچون دیگر آثار خود، نام خویش را در مفردات هم به طور آشکار آورده است: "چنین گوید بنده ساعی احمد داعی اصلح الله شأنه و صانه عمّا شأنه... (نسخه پاریس، 1b/6-7؛ نسخه استانبول، 1b/7-8)^{۳۴}

او در بسیاری از آثار خود هم چنین جمله‌ای را تکرار کرده است:

عقود الجواهر: چنین گوید بنده ساعی احمد داعی اصلح الله شأنه و صانه عما شأنه ... (ارتایلان ۱۹۵۲: ۲۶۵)

دیوان فارسی: چنین گوید مؤلف این رساله و محرر این مقاله، بنده ساعی احمد داعی اصلح الله شأنه و صانه عما شأنه... (اجاک ۱۳۸۵: ۸۷)

ترجمه اشکال نصیر طوسی: اما بعد بو رساله‌نین مترجمی بنده ساعی احمد داعی اصلح الله شأنه ... (ارتایلان ۱۹۵۲: ۳۱۴)

ترسل: اما بعد مؤلف این ترسل و مصنف این رساله بنده ساعی احمد داعی اصلح الله شأنه و صانه عما شأنه گوید ... (ارتایلان ۱۹۵۲: ۳۲۵؛ قس چنین دردی‌یوک ۱۹۹۴: ۵۶)

مفتاح الجنّة: اما بعد این بنده ضعیف دعاگو، راجی به رحمت حق تعالی و ساعی به مغفرت او احمد داعی اصلح الله شأنه و صانه عما شأنه گوید ... (ارتایلان ۱۹۵۲: ۴۰۶؛ قس: گول‌سوین ۱۹۸۹؛ ج: ۱؛ ۳۶۳)

این مسأله هرگونه شک و شبهه‌ای را در خصوص تعلق مفردات به احمد داعی مرتفع می‌سازد.

نتیجه‌گیری

حوزه نفوذ زبان فارسی دری در طی هزار سال گذشته تنها محدود و مخصوص به حوزه جغرافیایی ایران امروزی نبوده، بلکه این زبان در سرزمین‌های هم‌جوار چون شبه‌جزیره هند، ماوراءالنهر و عثمانی هم در نقش زبان علم و ادب کاربرد داشته است. آغاز این کاربرد در آسیای صغیر به فتح آن منطقه از سوی مسلمانان در قرن پنجم هجری برمی‌گردد. اگرچه بعدها در اثر رواج و رسمیت زبان ترکی، از اهمیت زبان فارسی کاسته شد، اما این زبان، هیچ‌گاه جایگاه خود را به ویژه در میان ادیبان از دست نداد. با استناد به آثاری از قبیل مفردات - که در زمان افول نقش زبان فارسی در آناتولی، به نگارش درآمده‌اند - می‌توان به میزان اهمیتی که ادبای آن سرزمین به زبان فارسی می‌داده‌اند، پی برد. همچنین با بررسی آثاری مانند مفردات - که در طول سده‌های گذشته برای آموزش زبان فارسی در آناتولی تألیف شده‌اند - می‌توان آگاهی‌های با ارزشی از ویژگی‌های سبکی، دامنه کاربرد لغات و نیز تغییرات راه یافته در این زبان به دست آورد. سعی نویسندگان مقاله بر این بوده است تا با معرفی احمد داعی - که از بزرگ‌ترین مترجمان آثار فارسی به ترکی آناتولی در روزگار خود بوده است - و همچنین اطلاعاتی که درباره

مفردات و دیگر آثار مرتبط با آن داده‌اند، گوشه‌هایی از نفوذ زبان فارسی در آن منطقه را ترسیم کنند، باشد که در پژوهش‌های آینده به کار آید.

یادداشت‌ها :

۱- نقل با کمی تغییر از مفردات، نسخه پاریس، ص 1b؛ برای اطلاعات بیشتر درباره نفوذ زبان فارسی در آسیای صغیر علاوه بر آثار فوق نک: گلشنی، عبدالکریم (۱۳۵۵)، "زبان فارسی در قلمرو ترکان عثمانی"، مجله هنر و مردم، دوره ۱۵، شماره ۱۷۲، ص ۷-۲؛ نخجوانی، حسین (۱۳۴۱)، "نفوذ زبان و ادبیات فارسی در ترکیه دوره آل عثمان"، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۶۰، ص ۴۲-۵۴ و شماره ۶۱، ص ۱۷۶-۱۹۱؛ شادی، آیدین (۱۳۸۵)، عناصر فرهنگ و ادب ایرانی در شعر عثمانی (از قرن نهم تا دوازدهم هجری)، تهران، انتشارات امیرکبیر؛ مفتاح، الهامه و وهاب ولی (۱۳۷۴)، نگاهی به روند نفوذ زبان و ادب فارسی در ترکیه، تهران، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی؛ گولپینارلی، عبدالباقی (۱۳۷۴)، در بیان ادبیات دیوانی، ترجمه توفیق سبحانی، تهران: نشر سروش.

۲- برای اطلاعات بیشتر تر نک: حاج سید جواد، سید کمال (۱۳۸۰)، دستور زبان فارسی در شبه قاره هند، تهران: نشر روزگار.

۳- الزینمی، محمد بن الحکیم (۱۳۶۰)، منهاج الطلب (کهن‌ترین دستور زبان فارسی - بر اساس نسخه مورخ ۱۰۷۰ هجری مسجد دوتنگ شی پکن)، به کوشش محمدجواد شریعت، اصفهان: نشر مشعل.

۴- برای اطلاعات کامل‌تر در خصوص پیشینه دستور نویسی برای زبان فارسی علاوه بر منابع مذکور، نک: صنیع، مهین بانو (۱۳۷۱)، سیری در دستور زبان فارسی، تهران: نشر آثار.

۵- این اثر را دکتر احمد سیوگی یافته و معرفی کرده است:

Sevgi, Ahmet, "AHMED-İ DÂÎ'NİN BİLİNMEYEN BİR ESERİ: İLM-İ ARÛZ", *Selçuk Üniversitesi Fen-Edebiyat Fakültesi Edebiyat Dergisi*, Konya, 2007, Sayı: 18, ss. 1-11.

۶- در کتابخانه Oxfröd Bodleian به شماره ۲۱۶۸، منصورنامه ای منظوم و ترکی موجود است که مؤلف و تاریخ تألیفش مشخص نیست. ن.ک. کوت ۲۰۰۳: ۲۸۴، ش ۱۳۰

۷- این دو مقاله تفاوت‌های جزئی با هم دارند.

۸- آگاهی‌هایی که در کشف‌الظنون درباره اثر داده می‌شود این‌گونه است: "عقود الجواهر - لغه منظومه مشتمله علی احدی و خمسين قطعه فی ستمائة و خمسين بيتا اوله الحمد لله مبدع البدائع الخ. اصلح فيه مؤلفه احمد "داعی الکریمانی" مختصراً موسوماً بحمد و ثنا منسوباً الی الرشید الوطواط بنظم سلیس و ضبط جيد و اهداه لسلطان مراد بن محمد خان من اثنا تعلمه" (کاتب چلبی ۱۹۴۳: ۲؛ ۱۱۵۶).

۹- سرانجام این نسخه معلوم نیست.

۱۰- بخش وهبی افندی بغدادی، شماره ۱۹۴۹، بخش حسنی پاشا، شماره ۱۱۰۲/۳ (Tekin 1992, s. 54). علاوه بر این، کتاب‌های موغلا (مغله)، شماره ۶۲۴ (عز و کوت ۱۹۸۵: ۱۱۰؛ اوزکان ۱۹۹۵: ۲۰۷) در آدرس

www.suleymaniye.gov.tr یک نسخه از عقود الجواهر احمد داعی قید شده است: بخش رشید افندی، شماره ۱۰۲۹ (مشاهده نشد). لغت‌نامه عربی - فارسی به شماره ۳۲۱/۶ در کتابخانه سلیمانیه - بخش مراد بخاری (برگ 174a - 159b، صفحات پایانی ناقص) که از آن احمد داعی دانسته می‌شود، اثری متفاوت با عقود الجواهر است. بیت هفتم این اثر (برگ 160a) این‌گونه است:

نیست داعی را توقع جز دعای خیر ازو هر صباح و هر مساء و هر بهار و هر خزان

این بیت نشان می‌دهد که لغت‌نامه عربی - فارسی و منظوم مذکور به شخصی با تخلص داعی تعلق دارد. آیا این شخص می‌تواند شیخ محمد داعی باشد؟ برای شیخ محمد داعی نک: (پینار آوجی، ۲۰۰۲)

۱۱- مجموعه کتابخانه عمومی مانیسا، شماره 45 HK 6595/1؛ مجموعه زینالزاده آق حصار، شماره 45 Ak Ze 751.

۱۲- Yz. A. 499/2. نک: (جومبور و همکاران ۱۹۹۹: ۲۲۳، ش ۵۵۹) با نام "ترجمه لغت رشیدالدین وطواط".

۱۳- مجموعه کتابخانه عمومی عدنان اوتوکن 06 Hk 2591. مجموعه آثار خطی کتابخانه عمومی عدنان اوتوکن به کتابخانه ملی (آنکارا) منتقل شده است.

۱۴- "این شاعر منسوب به دربارهای گرمیان و عثمانی دارای بعضی آثار ترجمه، منشآت و لغت‌نامه‌ای عربی - عجمی - ترکی به نام عقود الجواهر است. [این اثر مؤخر دارای نسخه‌های مختلفی است: در کمبریج، پاریس، در کتابخانه شخصی مان]."

بخشی از نسخ خطی کتابخانه شخصی فؤاد کوپرولو امروزه در کتابخانه پژوهشی Yapı Kredi Bankası Sermet Çifter قرار دارند (داغلی و همکاران ۲۰۰۱: ۱۵). با وجود این در کاتالوگ مذکور اثری با عنوان عقود الجواهر مشاهده نمی‌شود. در ص ۹۲ کاتالوگ مزبور به شماره ۱۸۷/۱ اثری به نام مفردات [لغت فارسی] از آن احمد داعی ذکر شده است. این اثر بر اساس فیش‌های ثبتی از فؤاد کوپرولو به کتابخانه مذکور منتقل شده است.

۱۵- (Blochet, Supp. ture 295) فرانس باینگر با استناد به کاتالوگ براون (۱۹۲۲: ۸۷۱) وجود نسخه‌ای از اثر در کتابخانه دانشگاه کمبریج را ذکر می‌کند. در مورد نسخه خطی عقود الجواهر موجود در کتابخانه دانشگاه کمبریج، براون این اطلاعات را می‌دهد: "لغت‌نامه‌ای است فارسی - عربی و منظوم از آن احمد داعی متشکل از ۵۱ قطعه و ۶۵۰ بیت. برای سلطان عثمانی مراد دوم تنظیم شده است. درباره نویسنده نک: تاریخ شعر عثمانی، گیب، ج ۱، ص ۲۵۶-۹... تاریخ استنساخ ۱۷۷۰ - ۱۱۸۴ / ۲۰ برگ، ۱۸/۸*۱۲/۳، ۱۹ سطر..." (براون، همان‌جا).

۱۶- کتابخانه پژوهشی سرمد چیفتر، شماره ۱۸۷/۱. نک: (داغلی و همکاران ۲۰۰۱: ۹۲).

۱۷- این لغت عربی - فارسی منظوم مابین برگ‌های 81b - 72b قرار دارد و متعلق به فردی با تخلص حمید است.

ای حمید نثر گوهرها بر تو زبید در یقین زان که در نظم لغت مثلث نباشد بی‌گمان

ترجمه ترکی این بیت در زیر سطر این‌گونه آمده است:

ای حمید گوهرلر ساچماق سنون اوزرونه یاراشور، حقیقت

آندان کی لغت نظم ایتمکده مثلون یوقدور گمانسوز (80b)

۱۸- در کاتالوگ مزبور کلمات الهی و تا کم هنگام توصیف سهواً النهر و نا کم نوشته شده‌اند.

۱۹- اسماعیل حکمت ارتایلان دربارهٔ عقود الجواهر اطلاعات مبسوطی داده است (ارتایلان ۱۹۵۲: ۱۱۰-۱۱۶ و

۲۶۵-۲۷۲ - چاپ افست). ابیاتی از این اثر:

تَحْفَظْ، تَصَوِّنْ، تَحْرَزْ، تَوْقِ	چه خود را نگه داشتن، نوم خفتن
تَأْسَفْ، تَلَهَّفْ چه اندوه خوردن	تدارک چه دریافتن، مشی یافتن
هَشَاشَتْ، بَشَاشَتْ، نَضَارَتْ، طِراوَتْ	بود تازه رویی، تفتیح، شکفتن
شِجَاعَتْ، بَسَالَتْ، بَطَالَتْ، دَلِیْرِی	چو تسهیل و تیسیر، آسان گرفتن
کَثِیْرٌ و قَلِیْلٌ است، بَسِیَارٌ و اَنْدَک	حدیث و مقالت، سخن، قول گفتن
فَعُولُنْ، فَعُولِنْ، فَعُولِنْ، فَعُولِنْ	سعادت چه باشد، نصیحت شنفتن

(کتاب عقود الجواهر ضمیمهٔ دیوان داعی، ص ۲۶۹، به نقل از خسروشاهی، ۱۳۵۰، ص ۱۳۱-۱۳۲)

با استناد به کپی نسخه‌های مفردات که از کتابخانهٔ ملی فرانسه (Bibliothèque nationale de France=BnF) و کتابخانهٔ سرمد چیفتز به دست آورده‌ایم، تفاوت‌های مابین عقود الجواهر و مفردات را این‌گونه می‌توانیم برشماریم: - عقود الجواهر منظوم، مفردات منثور است. - عقود الجواهر برای مراد دوم، مفردات برای مبتدیان نوشته شده است. - در حالی که زبان عقود الجواهر عربی - فارسی است، زبان مفردات فارسی - ترکی است. بخش‌های سوّم و چهارم مفردات نیز ترکی هستند. - در حالی که عقود الجواهر لغت‌نامه عربی - فارسی است، دو بخش اوّل مفردات لغت‌نامه‌ای فارسی - ترکی و بخش‌های سوّم و چهارم نیز دستور زبان فارسی به زبان ترکی است. خلاصه آن‌که، در حالی که عقود الجواهر لغت‌نامه‌ای عربی - فارسی و منظوم در ۵۱ قطعه و ۶۵۰ بیت می‌باشد، مفردات کتابی متشکل از لغت‌نامه‌ای فارسی - ترکی و دستور زبان در چهار بخش است.

۲۰- این هدف نگارش اثر با اهداف نگارش منیه المبتدی - "گردآوری کلمات فارسی که وارد متون نوشتاری شده و کاربرد دارند"، "لغت‌نامه‌ای برای خردسالانی که تازه شروع به تحصیل کرده‌اند." (اوز ۱۹۹۶: ۱۲۳-۱۲۴) - و نیز با اهداف نگارش تحفة الهدیه - "لغت‌نامه‌ای مختصر، تصنیف شده بر اساس موضوع، در عین حال کتاب دستور زبانی که قواعد اصلی زبان فارسی را در بر می‌گیرد"، "تهیه شده برای خردسالان و آنان که زبان فارسی را به تازگی یاد گرفته‌اند" (اوز ۱۹۹۶: ۱۴۳) - یکی است.

لغت بخشایش نیز از جهت هدف نگارش بسان این آثار در راستای "مبتدیان" یعنی "آنان که به تازگی شروع به تحصیل کرده‌اند" قرار دارد. (نک: توران ۲۰۰۱: ۵۷، یادداشت ۵)

لغت‌نامهٔ عربی - فارسی احمدی که آن را با نام مرقاة الادب برای تحصیل حمزه پسر عیسی بیگ حاضر کرده است (آلپ ارسلان ۱۹۶۰: ج ۱۰: ۳۵ - ۴۰) همراه با دو قصیده عربی او یعنی میزان الادب مربوط به صرف زبان عربی و معیار الادب مربوط به نحو آن زبان (چتین ۱۹۵۲: ج ۱۴: ۲۱۷ - ۲۳۰)، نیز لغت فرشته اوغلو که آن را ابن ملک "با هدف تسهیل آموزش لغت برای نوادش عبدالرحمن" نگاشته است (مختار ۱۹۹۳:

(۲۱) باید که در این دسته و راستا ارزش‌گذاری شوند. از قرن ۱۴ به بعد در آناتولی می‌توان بسیاری لغت‌نامه‌های منظوم و منثور دو زبانه (عربی - ترکی؛ فارسی - ترکی) و یا سه زبانه (عربی - فارسی - ترکی) را یافت. برای لغت‌نامه‌های فارسی - ترکی نک: رسالهٔ دکتر یوسف اوز و برای لغت‌نامه‌های منظوم عربی - ترکی هم نک: رسالهٔ دکتر نجم‌الدین یوردسون، با عنوان لغت‌نامه‌های عربی - ترکی منظوم و نخبهٔ وهبی سنبل‌زاده (۲۰۰۳).

۲۱- در گذشته آثاری مانند مفردات را به دلیل داشتن بخش یا بخش‌هایی که معادل کلمات یک زبان را در زبان دیگر دربرداشتند، لغت می‌نامیدند، اما از آن‌جا که این گونه آثار برای آموزش زبان نوشته می‌شدند، ناگزیر از داشتن چنین بخش‌هایی بودند. بنابراین با توجه به تعریف امروزی کتاب لغت (فرهنگ)، نمی‌توان چنین آثاری را لغت‌نامه نامید، بلکه بهتر آن است که آن‌ها را دستور زبان - البتّه در بازهٔ زمانی خود - بنامیم.

۲۲- در هر دو نسخه: باب مضارع.

۲۳- تمام نمونه‌هایی که ذیل این عنوان آورده شده‌اند دارای وجه تمنّایی هستند مانند: بیلّه (بداند)، آنالایا (بفهمد)، گنوره (بیاورد)، طورا (بایستد).

۲۴- این جمله، در زیر سطر به شکل زیر به ترکی ترجمه شده است: "اشبیله سعی ایدیچی قول کم اول احمد داعی دُر الله صلاحیته گتورسون آنون ایشینی دخی الله سقلسون شوندن که اول قورقر".

منابع:

- افشار، ایرج. ۱۳۳۳. کتاب شناسی دستور زبان فارسی. فرهنگ ایران زمین. ج ۲، تهران.
- ثریا، محمد. ۱۳۰۸-۱۳۱۵. سجل عثمانی. ج ۱، استانبول: چاپ افست انگلستان. ۱۹۷۱. ذیل احمد داعی.
- تولگا أچاک، فاطمه. ۱۳۸۵. احوال و آثار و تحلیل اشعار دیوان فارسی احمد داعی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- خسروشاهی، رضا. ۱۳۵۰. شعر و ادب فارسی در آسیای صغیر تا سدهٔ دهم هجری. تهران: انتشارات دانشسرای عالی.
- رشنوزاده، بابک. ۱۳۸۳. دستور نویسی فارسی در آناتولی و بالکان «دانشنامهٔ ادب فارسی در آناتولی و بالکان». به سرپرستی حسن انوشه. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ریاحی، محمّدامین. ۱۳۶۹. زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی. تهران: انتشارات پازنگ.
- سامی، شمس‌الدین. ۱۳۰۶ هـ. قاموس الاعلام. استانبول: مطبعه مهران.
- کاتب چلبی. ۱۹۴۳. کشف‌الظنون. به کوشش شرف‌الدین یالت قایا - کیلیسلی رفعت بیلگه. استانبول.
- مدرّسی، فاطمه. ۱۳۸۴. «زبان و ادب پارسی در آسیای صغیر». نامهٔ فرهنگستان. ش ۲۵، بهار: ۷۰ - ۸۳.
- منزوی، احمد. ۱۳۵۰. فهرست نسخه‌های خطّی فارسی. تهران.
- مهیار، محمّد. ۱۳۷۶. فرهنگ دستوری. تهران: نشر میترا.
- ناصر خسرو. ۱۳۳۵. سفرنامه. به کوشش محمّد دبیر سیاقی. تهران: انتشارات زوار.
- همایی، جلال‌الدین. ۱۳۲۵. دستور زبان فارسی. لغت‌نامه دهخدا: ۱۱۰ - ۱۴۷.

- یازجی، تحسین. ۱۳۷۱. پارسی نویسان آسیای صغیر. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.
- Akyüz, Kenan. 1954. *Ahmed-i Dâi'nin Bilinmiyen Bir Eseri, Türk Dili*, III/33
Ankara : s. 525-528.
- Alparslan, Ali. 1960. *Ahmedî'nin Yeni Bulunan Bir Eseri : Mirkât-ı Edeb. TDDED*,
İstanbul.
- Alpay, Gönül. 1973. *Ahmed-i Dâ'î and His Çengnâme, An Old Ottoman Mesnevi*,
Cambridge.
- -----, (Gönül A. Tekin imzasıyla). 1992. *Ahmed-i Dâ'î: Çengnâme*,
Cambridge.
- Ateş, A. 1945. *Hicri VI-VIII (XII-XIV) asırlarda Anadolu'da Farsça eserler Türkiyat Mecmuası*, cilt VII-VIII, cüz II, İstanbul, s. 94 – 135: ۲۸ به نقل از ریاحی، ص
- Babinger, Franz. 2000. *Osmanlı Tarih Yazarları ve Eserleri*, (Çev. Coşkun Üçok),
Ankara: 3. Baskı.
- Blochet, E. 1933. *Catalogue des manuscrits turcs*, Paris, C. 2.
- Browne, Edward G. 1922. *A Supplementary hand-list of the Muhammadan manuscripts*, Cambridge.
- Coşan, Esat. 1967. “XV. Asırdan Türkçe Dinî Bir Eser Cinânü'l-Cenân”, *İslâm Düşüncesi*, İstanbul, C. 1, S. 4, s. 245-248.
- Cunbur, Müjgân -Dursun Kaya-Niyazi Ünver-Hacı Yılmaz. 1999. *Türk Dil Kurumu Yazma Eserler Kataloğu*, Ankara.
- Çetin, Abdülbaki. 2003. *Ahmed-i Dâi'ye Atfedilen Bir Eser: Cevâhirü'l-Maânî Atatürk Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü Dergisi*, Erzurum, S. 21, s. 309- 322.
- Çetin, Abdülbaki. 2004. Ahmed-i Dâi'ye Atfedilen Yüz Hadis Tercümesi Üzerine, *İlmî Araştırmalar*, İstanbul, S. 18, s. 25-30.
- Çetin Derdiyok, İ. 1994. Eski Türk Edebiyatı'nda Mektup Yazma Kuralları Hakkında Bilgi Veren En Eski Eser Ahmed-i Dâi'nin Teressül'ü”, *Toplumsal Tarih*, İstanbul:
Haziran, C. 1, S. 6.
- Çetin, Nihat. 1952. “Ahmedî'nin Bilinmeyen Birkaç Eseri”, *İstanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Tarih Dergisi*, İstanbul: C. II, S. 3-4.
- -----, 1965. Ahmedî'nin Mirkâtü'l-Edeb'i Hakkında, *Türkiyat Mecmuası*, İstanbul.
- Dağlı, Yücel - E. Nedret İşli-Cevdet Serbest-D. Fatma Türe, (Tespit fişleri: Orhan Bilgin-Nihat Azamat). 2001. *Yapı Kredi Sermet Çifter Araştırma Kütüphanesi Yazmalar Kataloğu*, İstanbul.

- Dai, Ahmet, *Müfredât*, Bibliothèque nationale de France, Supp. turc 295.
- -----, *Müfredât*, Yapı Kredi Sermet Çifter Araştırma Ktp., nr. 187/1.
- Ertaylan, İsmail Hikmet.1952. *Ahmed-i Dâ'i Hayatı ve Eserleri*, İstanbul.
- Gülsevin, Gürer, .1989. *Ahmed-i Dâi, Miftahu'l-Cenne* (Dil özellikleri- Metin-Söz Dizini), (Yayımlanmamış Doktora Tezi) İnönü Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, Malatya.
- İz, Fahir - Günay Kut.1985. "XV. yüzyıl Dîvân Nazım ve Nesri" *Büyük Türk Klâsikleri*, İstanbul, C. 2.
- Karasoy, Yakup.2006. "Sirâcu'l-Kulûb ve Eserdeki Hayvan Tespihleri", *Türkiyat Araştırmaları Dergisi*, Konya, S. 19. s. 29-30.
- Kaymaz, Zeki.1997. *Ahmed-i Dâ'i: Cevâhirü'l-Ma'ânî* (İnceleme-Metin-Sözlük), (Yayımlanmamış Doçentlik Tezi), Malatya, IV+295+108 s..
- Kaymaz, Zeki.1999. "Ahmed-i Dâi'nin Bilinmeyen Bir Eseri: Cevâhirü'l-Maânî", *VII. Milletler Arası Türkoloji Kongresine sunulmuş bildiri*. (İstanbul Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü 8-12 Kasım).
- Kortantamer, Tunca.1977. "Ahmed-i Dâi'nin 'Mutâyebât' Adıyla Tanınan Eseri Üzerine", *Türkoloji Dergisi*, Ankara, C. VII, s. 137-147.
- -----,1993. "Ahmed-i Dâi'nin 'Mutâyebât' Adıyla Tanınan Eseri Üzerine", *Eski Türk Edebiyatı -Makaleler-*, Ankara, s. 77-87.
- Köktekin, Kâzım.2001. "Ahmed-i Dâ'i'nin Cevâhirü'l-Maânî Adlı Eserinin Yeni Bir Yazması Üzerine", *İlmî Araştırmalar*, İstanbul, S. 12, s. 143-152.
- Köprülüzade, Mehmet Fuat.1933. "Anadoluda Türk Dil ve Edebiyatının Tekâmülüne Umumî Bir Bakış II" *Yeni Türk Mecmuası*, Şubat, C. I, No. 5.
- Kut, Günay.1989. "Ahmed-i Dâi" mad. *TDVİA*, II, İstanbul.
- -----,2003. *Supplementary Catalogue of Turkish Manuscripts in the Bodleian Library: with reprint of the 1930 catalogue by H. Ethé*, Oxford.
- Latîfi, *Tezkiretü's-Şu'ârâ ve Tabsratü'n-Nuzamâ*.2000. (Hızl. Yrd. Doç. Dr. Rıdvan Canım), Ankara.
- Muhtar, Cemal.1984. *İki Kur'an Sözlüğü Luğat-i Ferišteoğlu ve Luğat-ı Kânûn-ı İlahî*, İstanbul 1993.
- Necatioğlu, Halil, "XV. Asırdan Türkçe Bir Dinî Eser Cinânü'l Cenân", *İslâm*, Ankara, C. 2, S. 13, s. 58-60.
- Özkan, Mustafa.1995. *Türk Dilinin Gelişme Alanları ve Eski Anadolu Türkçesi*, İstanbul.
- Pınar Avcı, Ülkü.2002. "Unutulan Bir Gönül Eri: Şeyh Muhamed-i Dağî" *Gazi Üniversitesi Türk Kültürü ve Hacı Bektaş Veli Araştırma Merkezi Hacı Bektaş Veli Araştırma Dergisi*, Ankara, Kış, S. 24, s. 17-22.

- Öz, Yusuf.1996. *Tarih Boyunca Farsça-Türkçe Sözlükler*, Ankara Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü (Yayımlanmamış Doktora Tezi) Ankara.
- Turan, Fikret.2001. *Eski Oğuzca Sözlük Bahşayış Lügati*, İstanbul.
- Türk Dünyası edebiyatçıları Ansiklopedisi*.2003. c. 3, Atatürk kültür merkezi başkanlığı yayınları, Ankara.
- Yurtseven, Necmettin.2003. *Türk Edebiyatında Arapça-Türkçe Manzum Lügatlar ve Sünbülzâde Vehbi'nin Nuhbe'si*, Ankara Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü (Yayımlanmamış Doktora tezi), Ankara.